



نظام عدالت كیفری اطفال و نوجوانان در انگلستان و ولز

پدیداآورده (ها) : مهرا، نسرین
حقوق :: تحقیقات حقوقی :: پاییز و زمستان 1386 - شماره 46 (علمی-پژوهشی)
از 75 تا 98
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/248813>

دانلود شده توسط : غلامحسین رئیسی
تاریخ دانلود : 12/09/1393

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان در انگلستان و ولز

دکتر نسرین مهرا*

چکیده

هدف از نگارش این مقاله، بررسی سیستم عدالت کیفری اطفال و نوجوانان در انگلستان، با توجه به اصلاحات قانونی و رویه قضائی در این زمینه است. اگر چه مطابق با آمارهای رسمی، بزهکاری نوجوانان از نظر میزان و شدت، افزایش قابل توجهی نداشته است، اما سیاست و رویه کنونی انگلستان در برخورد با بزهکاران نوجوان، رویکردی سزاگرایانه دارد. در توجیه این امر خواهیم گفت که سیاستهای برخورد با جرایم نوجوانان از ساختارهای ترس محور ناشی می شود که ذهنیت عمومی را علیه نوجوانان تحریک کرده و در نتیجه پاسخهای سرکوبگر را علیه آنان شکل داده است.

کلیدواژگان

ترسهای بجا، وحشتهای روحی، رفاه، عدالت، غیر رسمی سازی، حقوق، مسئولیتها، مجازات و مقابله به مثل، دوگانگی سیاستها در عدالت کیفری اطفال، مداخله، حبس.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و رئیس انجمن ایرانی حقوق جزا.

مقدمه

جرایم اطفال و نوجوانان یکی از مهمترین دغدغه‌های مدرنیته است، به گونه‌ای که این موضوع، توجه سیاستمداران، مطبوعات و عموم را به خود جلب نموده است. از این رو، این تصور ایجاد شده است که بزهکاری نوجوانان پدیده‌ای منحصر به زمان حال است. این تصور، به درستی در این عبارت عامیانه خلاصه می‌شود: «در دسر امروزی کودکان برای جامعه».^(۱) اما در حقیقت بزهکاری نوجوانان، و نگرانی و ناامنی‌ای که در نتیجه آن ایجاد می‌شود، تاریخچه‌ای^(۲) طولانی دارد و از این رو این اعتقاد که جرایم نوجوانان منحصر به زمان حال می‌شود، به همان اندازه غلط است که اعتقاد به افزایش میزان و شدت آن.

به نظر جفری پیرسون نگرانیهای کنونی در مورد بزهکاری اطفال و نوجوانان از شروع انقلاب صنعتی آغاز شده و در طول سده نوزدهم ادامه یافته و تثبیت شده است. به عنوان مثال واژه Job^(۳) از اواخر سده نوزدهم رایج شده که در واقع، معادل عامیانه Boy (پسر) است و واژه Hooligan^(۴) نیز در همین دوران رایج شده است. هر دوی این واژه‌ها جهت توصیف اعضای جوان گروههای خیابانی در مراکز شهرهای در حال توسعه انگلستان در دوران صنعتی به کار برده می‌شد. در همین راستا، بسیاری از جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و تاریخدانان نیز معتقدند که جرایم نوجوانان و نگرانی‌های ناشی از آن تاریخچه بسیار طولانی دارد.^(۵)

بزهکاری نوجوانان، ویژگی بارز جوامع غربی در دوران انقلاب صنعتی بوده است،

1- Muncie, J. The trouble with kids today: Youth crime in post-war Britain-London-Huchinson- 1984, pp. 68-86.

۲- در مورد تحولات تاریخی مربوط به بزهکاری نوجوانان و برخورد با این بزهکاران در ایران رک. شامبیاتی، هوشنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، چاپ کیان، چاپ سوم، ۱۳۷۲، صص ۴۵-۳۳.

۳- به معنای لات و ولگرد.

۴- به معنای جوان اوباش و ولگرد.

۵- برای نمونه نگاه کنید به:

Cox and Shore- Becoming Delinquent: British and European Youth 1650-1950- Aldershot: Ashgate 2002, Ch. 3. Hendrick, Child welfare: Historical dimensions- contemporary debate- Bristol: Policy Press- 2003, Ch. 5.

اما همانگونه که استن کوهن در جمله معروف خود خاطر نشان کرده است «چه جوامع امروزی و چه جوامع آینده، زمانی که پی ببرند یک وضعیت، یک پدیده، یک شخص و یا گروه خاص، ارزشها و مصالح جامعه را تهدید می کند دچار نگرانی روانی - اخلاقی می شوند.»^۶ با نگاهی به تاریخ معاصر، به نظر می رسد که درگیر شدن افراد جوان در بی نظمی های عمومی و یا جرم در انگلستان، چنین نگرانی های روحی را بین مردم ایجاد کرده است و این موضوع، برخورد صریح با پدیده بزهکاری نوجوانان را ایجاب نموده است. براین اساس، مادها و راکرزهای^(۷) دهه ۱۹۶۰، «زورگیرهای خیابانی»^(۸) و «اوباش فوتبال»^(۹) دهه ۱۹۷۰ و «محکومان زندانی که در دوران آزادی به قید ضمانت مرتکب جرم می شوند»^(۱۰) و «بزهکاران جوان مزمن»^(۱۱) دهه ۱۹۹۰، هر یک به دلیل ایجاد ترس و نگرانی های روحی در مردم، تبدیل به شیطان شده اند. ترس عمومی ایجاد شده در نتیجه بزهکاری کودکان و نوجوانان و محاسبات سیاسی دولتمردان، منجر به این نتیجه گیری می شود که «باید نسبت به این پدیده اقدامی صورت گیرد».

دو نکته در این زمینه قابل ذکر است؛ اولاً، به نظر می رسد که در طول تاریخ، در انگلستان نوعی دلسردی برای شناسایی بزهکاران حاکم بوده است. ثانیاً، ترسهای بزرگ نمایی شده، و نگرانی های روحی که رسانه های گروهی به آن دامن می زنند، درک درست مردم انگلستان را از عمق و گستردگی واقعی جرایم اطفال و نوجوانان خدشه دار کرده است. از این رو تحلیل آمارهای رسمی، نتایج تحقیقات و نیز رویه عملی در زمینه عدالت کیفری نوجوانان ممکن است تصویر صحیح تری از بزهکاری اطفال و نوجوانان ترسیم نماید.

تحقیقات مبتنی بر اظهارات و اعترافات افراد به عنوان مجرم نشان می دهند که

6- Cohen, S. Folk devils and moral panic : The creation of the mode and rockers- London- MacGibbon and Kee- 1972, p. 9.

۷- Rockers این افراد جوانانی بودند که خصیصه بارز آنها پوشیدن لباس چرم، موتورسیکلت سواری و علاقه به موسیقی راک بود. این افراد در نزاع دائم با مادها (Mods) بودند که خصیصه بارز آنها شیک پوشی و موتورسیکلت سواری بود.

8- Street muggers.

9- Football hooligans.

10- Bail bandits.

11- Persistent young offender.

بزهکاری به طور کلی بخشی عادی در فرایند رشد اکثر اطفال و نوجوانان است. در تحقیق اخیر کلارفلود و همکارانش، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که ۶۰ درصد از پسران ۱۷-۱۶ ساله پذیرفته‌اند که تا کنون یک جرم مرتکب شده‌اند. به علاوه، بیشتر افراد مورد تحقیق پذیرفته‌اند که بالاترین سن برای درک بزهکاری ۱۸ سال برای پسران و ۱۵ سال برای دختران است.^(۱۲)

با وجود این و برخلاف اعتقاد عمومی، نمی‌توان گفت که بیشتر جرایم گزارش و تعقیب شده را کودکان و نوجوانان مرتکب می‌شوند. به عنوان مثال، در طول سال ۲۰۰۱ تقریباً ۸۸ درصد از جرایم تعقیب شده در انگلستان را بزرگسالان مرتکب شده بودند.^(۱۳) شاید بتوان گفت که در طول حدود دو دهه اخیر، نرخ جرایم نوجوانان به نحو چشمگیری کاهش یافته است. در همین راستا، آمارهای رسمی انگلستان نشان می‌دهند که در طول سالهای ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱، تعداد افراد ۱۰ تا ۱۷ ساله که اخطار رسمی^(۱۴) دریافت کرده و یا محکوم شده‌اند، تا ۲۱ درصد یعنی از ۱۴۳۶۰۰ مورد به ۱۱۳۸۰۰ مورد، کاهش یافته است.^(۱۵) بدیهی است که چنین کاهش را نمی‌توان به سادگی با توجه به تغییرات جمعیتی توجیه نمود. با این توضیح که تعداد کودکان و نوجوانان نسبت به کل جمعیت کاهش یافته است و براین اساس جرایم ارتكابی توسط ایشان نیز به تبع آن کاهش یافته است. هرچند که همواره بایستی در تحلیل آمارهای جنایی رسمی احتیاط نمود، اما این ارقام قطعاً باورهای عمومی را در مورد بزهکاری نوجوانان زیر سوال می‌برد.

همانگونه که نسبت به نرخ جرایم نوجوانان در انگلستان اغراق می‌شود، نسبت به شدت و وخامت آن نیز بزرگ‌نمایی می‌شود. این ادعا که کودکان عمدتاً مرتکب جرایم

12- Graham, J and Bowing, B. Young people and crime- Home office research study- 145- London- HMSO- 1995.

13- NACRO- Some facts about young people who offend- 2001 youth crime briefing- March- London- NACRO- 2003a.

14- Caution.

15- Home Office- Criminal statistics England and Wales- London- Home office- 2002.

خشونت آمیز می‌شوند، اساساً گمراه کننده است. بیشتر جرایم ارتكابی کودکان و نوجوانان، جرایم متعارف علیه اموال است.^(۱۶) در انگلستان، سرقت، خرید و فروش اموال مسروقه، سرقت از منازل، تقلب یا جعل و ایراد خسارت کیفری، در سال ۲۰۰۱، ۶۶ درصد از جرایم گزارش شده نوجوانان را تشکیل می‌داد. به علاوه جرایمی که از نظر میزان خشونت، پایین‌ترین درجه را دارند (سرقت و خرید و فروش اموال مسروقه)، تقریباً نیمی از جرایم ارتكابی کودکان و نوجوانان را تشکیل می‌دهند.^(۱۷) در واقع، جرایم خشونت آمیز علیه افراد، کمتر از ۱۴ درصد و سرقت به عنف تنها ۲/۴ درصد از تمامی جرایم ارتكابی کودکان و نوجوانان را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این، بسیاری از سرقت‌های همراه با اذیت و آزار در عمل شامل ربودن تلفن همراه کودکان و نوجوانان می‌شود.^(۱۸)

بدین سان، اولاً، بزه‌دیدگان جرایم نوجوانان اغلب خود کودکان و نوجوانان هستند و بعید نیست که خود بزه‌کاران، بزه‌دیده نیز باشند. «اداره اصلاحات کیفری هوارد ۲۰۰۲» اعلام کرده است که «کودکان زندگی پیچیده‌ای دارند و درگیری آنان در فعالیتهای مجرمانه کم اهمیت، بخشی از فرایند رشد ایشان است، چه به صورت بزه‌دیده، چه به شکل بزه‌کار و چه به هر دو صورت».^(۱۹) ثانیاً، خطر بزه‌دیدگی نوجوانان به صورت مساوی توزیع نشده است: بیشتر جرایم نوجوانان در مناطق فقیرنشین،^(۲۰) یعنی جایی که بیشتر بزه‌کاران نوجوان زندگی می‌کنند اتفاق می‌افتد. برعکس، طبقه متوسط ساکن در مراکز شهرها، در واقع در محیط نسبتاً امنی زندگی می‌کنند.

۱۶- شامبیاتی، هوشنگ، همان، صفحه ۹۵.

17- Home Office, 2002, op.cit., p. 9.

18- Harrington, V. and Mayhew, P. Mobile phone theft- Home office research study 235- London- Home office - 2001, ch. 3.

19- The Howard League for Penal Reform.

طبق آمار منتشره مورخ ۱۱ آوریل ۲۰۰۲، اداره اصلاحات کیفری هوارد ۹۶٪ از نوجوانان بزه‌دیدگان جرم می‌باشند.

20- Simmons, J. Crime in England and Wales 2001/02- Home Office Statistical Bulletin- 07/02- London- Home Office- 2002, p. 67.

بزهکاران نوجوان، معمولاً مذکر هستند. تقریباً ۸۰ درصد از مرتکبان جرایم تحت تعقیب قرار گرفته شده، طی ۱۰ سال اخیر، پسران بوده‌اند. داده‌های آماری این تصور عمومی را که دختران به نحو چشمگیری تمایل به ارتکاب جرم دارند تایید نمی‌کند.^(۲۱) پسران نه تنها بیشترین جرایم، بلکه شدیدترین آنها را نیز مرتکب می‌شوند. با بررسی این موضوع در زمینه نژاد، می‌بینیم که بر خلاف تصور عمومی ارتکاب جرم توسط کودکان و نوجوانان سیاه‌پوست، نسبت به هم‌تایان سفید پوست آنان، بیشتر نیست.^(۲۲) با توجه به این موضوع، افزایش نامتناسب استفاده از حبس در مورد دختران نسبت به پسران^(۲۳) و حضور بیشتر کودکان و نوجوانان سیاه‌پوست در هر یک از مراحل سیستم عدالت کیفری^(۲۴) در انگلستان امری غیر متعارف محسوب می‌شود. چنین پدیده‌ای بیشتر نشانگر بی‌عدالتی جنسیتی و نژادی ذاتی سیستم عدالت نوجوانان انگلستان است، نه اینکه دختران و سیاه‌پوستان تمایل بیشتری به ارتکاب جرم داشته باشند.^(۲۵) در کنار جنسیت و نژاد، طبقه اجتماعی نیز معیاری است که می‌توان براساس آن جرایم نوجوانان و عدالت کیفری نوجوانان را مورد بررسی قرار داد. نظام عدالت کیفری با نوجوانان متعلق به طبقه پایین جامعه بیشتر و شدیدتر برخورد می‌کند. این بدین معنا نیست که تمامی کودکان طبقه پایین جامعه مرتکب جرم شده یا اینکه تنها کودکان طبقه پایین مرتکب جرم می‌شوند، اما ارتباط میان طبقه اجتماعی، فقر، عدم تساوی و سایر عوامل اجتماعی، از یک سو و مداخلات دولت از طریق عدالت کیفری از سوی دیگر، امری ثابت شده است.^(۲۶) به این دلیل است که در این نوشتار ابتدا عدالت کیفری اطفال و

21- NACRO, 2003a- op. cit., p. 76. 22- Graham and Bowling- op.cit., p. 97.

23- NACRO, 2003a- op. cit., p. 68.

24- Goldson, B. and Chigwada Bailey, R. (What) justice for black children and young people?, in Goldson, B. (ed)- youth justice: Contemporary policy and practice- Aldershot: Ashgate- 1999, pp. 36-45.

۲۵- مداخلات سرویس‌های اجتماعی و رفاهی رسمی کودکان، خانواده‌های فقیر و از هم پاشیده که زیر فشار دائمی رنج می‌برند، محله‌هایی که اشکال مختلف محرومیت در آنجا به چشم می‌خورد، تحصیلات همراه با شکست و تا حد زیادی بیهودگی، بیکاری، خستگی روحی و عدم توانایی ایجاد ارتباط با دیگران و مشکلات مرتبط با سلامت که بی ارتباط با سوء استفاده از الکل یا مواد مخدر نیست.

26- Goldson, B. New labour, social justice and children: political calculation and the

چگونگی رفتار آن با کودکان بزهکار را بررسی می‌کنیم و سپس تحولات عدالت کیفری اطفال را که بدنبال انطباق خود با شرایط جدید جامعه و خصوصیات امروزی بزهکاری اطفال است، مطالعه خواهیم کرد.

الف - عدالت کیفری اطفال و نوجوانان

همانگونه که تفاوت‌های آشکاری میان سیستم‌های عدالت کیفری در سرتاسر جهان وجود دارد، به تبع آن پاسخ‌های رسمی به بزهکاری اطفال نیز از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد.^(۲۷) به این دلیل، عدالت بر اساس مشخصه‌های فرهنگی و قلمروهای قضائی تغییر می‌کند. تفاوت سیستم‌های عدالت کیفری نه تنها در میان کشورهای جهان مشاهده می‌شود، بلکه در قلمرو پادشاهی انگلستان نیز وجود دارد: سه قلمرو قضائی مجزا شامل انگلستان و ولز، اسکاتلند و ایرلند شمالی با دیدگاه‌های بیش و کم متفاوتی راجع به اطفال و بویژه مدیریت سیستم عدالت نوجوانان در پادشاهی انگلستان وجود دارد. تاکید ما در این مقاله بر ویژگی‌های سیستم عدالت کیفری نوجوانان در انگلستان و ولز خواهد بود.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱- مفاهیم موضوعی

از زمان ایجاد دانش بزهکاری اطفال و نوجوانان (جرم‌شناسی اطفال) در قرن نوزدهم و متعاقب آن وضع قوانین و مقررات، دادگاهها، سیاستها، رویه‌ها و آیین دادرسی خاص بزهکاران جوان در آغاز قرن بیستم، عدالت کیفری اطفال همواره با تحولات زیادی روبرو بوده است.^(۲۸) جان میونیک و گوردون هوگز این موضوع را

deserving- undeserving schism- the british journal of social work- Vol. 32(6)- 2002a- pp. 683-695.

27- Munice, J. Juvenile justice in Europe: Some conceptual, analytical and statistical comparisons- Children right- No. 2002-2003. pp. 14-17.

28-Goldson, B. Children crime and the state- in Goldson, B. Lavallate, M. and Mckeckine, J. (eds.)- Children, welfare and the state- London- sage- 2002b, pp. 423-428.

بدین صورت بیان کرده‌اند که تاریخ عدالت کیفری نوجوانان، مملو از تعارض، تناقض، ابهام و سازش است... و بر آن است تا بر مبنای تلفیقی از منطق و سنت نهادهای خدمات‌رسانی اجتماعی و سنت قانونگذاری نئولیبرال مبتنی بر مسئولیت و مجازات اقدام کند. به علاوه، تعادل بر هم خورده میان ابعاد مراقبتی و سزادهی سیستم، ناشی از آرمان‌گرایی الزامات و احتیاطات سیاسی است. بدین ترتیب، سیستم‌های عدالت کیفری نوجوانان، پویا، دائماً در حال تحول، و همچنین محل حل و فصل مفاهیم موضوعی معارض است.^(۲۹) شش نمونه از این مفاهیم، در اینجا مهم می‌نماید: حمایت، عدالت، غیررسمی‌سازی، حقوق، مسئولیتها و کیفر.

۱-۱- حمایت

این اصل که به موجب آن کودکان و نوجوانان باید از سنگینی بار تشریفات رسیدگی کیفری - آنگونه که در مورد بزرگسالان معمول است - در امان باشند، از مفهوم حمایت در عدالت کیفری نوجوانان ناشی شده است و عمری طولانی در حقوق کیفری اطفال دارد. ماده ۴۴ قانون کودکان و جوانان ۱۹۳۳^(۳۰) مقرر می‌دارد:

«هر دادگاهی که در حال رسیدگی به کودک و یا نوجوانی است که به عنوان بزهکار و یا به علت دیگری در آن حضور یافته است، باید حمایت آن کودک یا نوجوان را مد نظر قرار دهد». همچنین تبصره یک ماده یک قانون کودکان ۱۹۸۹^(۳۱) مقرر داشته است:

«زمانی که دادگاه مشکلی را در ارتباط با یک کودک مطرح می‌کند... حمایت از کودک باید مهمترین مسئله مورد بررسی باشد». با توجه به لحاظ اوضاع و احوال نامساعد بیشتر بزهکاران جوان، اصل حمایت به نحو چشمگیری جلوه می‌کند.

دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دوران اوج رفاه‌گرایی یعنی «حمایت» در عدالت کیفری

29- Muncie J. and Hughes G. Modes of youth governance: Political rationalities, criminalization and resistance- in Muncie, J. and Hughes. G. and McLaughlin, E. (eds.)- youth justice: Critical readings- London: sage- (2002: 1), Ch. 3.

30- Children and Young person Act 1933.

31- Children Act 1989.

نوجوانان در انگلستان و ولز بود.^(۳۲) در این دوره قوانین کودکان و نوجوانان^(۳۳) مصوب ۱۹۶۳ و ۱۹۶۹ در پی لوایح رفاه گرای «کودک، خانواده و بزهکار جوان ۱۹۶۵»^(۳۴) و «کودکان در معرض خطر بزهکاری ۱۹۶۸»^(۳۵) به تصویب رسیدند. این تحولات در حقوق و سیاست، یک سلسله اصلاحات حمایتی را در عدالت نوجوانان موجب شد که در خلال دهه ۱۹۷۰ به اوج خود رسید.^(۳۶)

در پایان دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ اولویتهای حمایتی عدالت نوجوانان بر سه مبنای عمده استوار بوده است. اولاً، محافظه کاران منتقد چنین استدلال می کردند که کارکرد اولیه نظام عدالت نوجوانان باید نظارت بر اطفال بزهکار باشد، نه مراقبت از آنان. اما مفهوم رفاه و حمایت، دلیلی برای برخورد ملایمتر و نرمتر نظام عدالت کیفری با نوجوانان بزهکار شده است. ثانیاً، صاحب نظران دانشگاهی و دست اندرکاران تندر و عدالت کیفری، مشروعیت تحمیل گسترده مداخله کیفری بر مبنای نیاز اطفال بزهکار را مورد انتقاد قرار داده، تصورات شخصی از بازپروری آنان را مورد خدشه قرار دادند و استدلال کردند که مداخلات به ظاهر حمایتی از طریق نظام عدالت کیفری نوجوانان، اغلب باعث صدمات بیشتری به آنان می گردد و بالاخره همین دانشگاهیان و دست اندرکاران تندر و استدلال می کردند که اختیارات مصلحت اندیشانه در ارتباط با حمایت، حق کودک بر عدالت را تحت الشعاع خود قرار می دهد.^(۳۷)

۲-۱- عدالت

مفهوم عدالت در مقوله عدالت کیفری نوجوانان، ایجاب می کند که شدت برخورد رسمی با جرایم نوجوانان متناسب با شدت جرم ارتكابی باشد، نه میزان نیازهای قابل

32- Blagg, H. and Smith, D. Crime, Penal policy and social work- Harlow- Longman- 1989, pp. 61-78.

33- Children and Young Person Act.

34- The Child, The Family and The Young Offender 1965.

35- Children in Trouble.

۳۶- Gildson, B. 2002a- op.cit. برای بحثهای دقیق تر نگاه کنید به:

37- Thorpe et al- Out of care: The community support of juvenile offenders- London: George Allen and Unwin- 1980, Ch. 7.

محاسبه آنان. این اصل برخاسته از یکی از اصول عدالت کیفری کلاسیک است که مشتمل بر رسالت مرقانون جزایی و تناسب مجازات با جرم است. به موجب اصل عدالت، سه مفهوم ضمنی باید در نظر گرفته شود. اولاً، بایستی حقوق کودکان و نوجوانان در جریان رسیدگی‌ها، توسط وکلای تضمین گردد. ثانیاً، مداخله رسمی مطابق با محدودیتهای آزادی سنجیده شود چندان که این مداخلات به حداقل ضروری کاهش یابد. ثالثاً، مجازات حبس باید به صورت محدود نسبت به جرایم اطفال اعمال شود. چنین تفکراتی از اوایل دهه ۱۹۸۰ تا اوایل دهه ۱۹۹۰ به گونه‌ای موثر در انگلستان و نلز حکمفرما بود.^(۳۹)

۳-۱- غیر رسمی سازی رسیدگی

غیر رسمی سازی بر مبنای یک سلسله دیدگاههای نظری، ضرورت‌های اجرایی - عملی و دیدگاههای انتقادی بنا گردیده^(۳۹) که به منظور به چالش کشیدن مشروعیت کل نظام عدالت کیفری نوجوانان مطرح شده است. دیدگاههای غیر رسمی به طور کلی ملاحظات رسمی را زیر سوال می‌برند، به این دلیل که فرایندهای رسمی کیفری خاص اطفال و نوجوانان، اساساً آنان را با برچسبهای مجرمانه انگ می‌زنند. چنین برچسب زنی، توسط مراجع دولتی به صورت یکدست انجام نمی‌شود، چرا که نسبت به اطفال مونث، اطفال متعلق به طبقه کارگر و سیاهپوستان بیشتر اعمال می‌شود. به علاوه، برچسب زنی باعث واکنشهای اجتماعی منفی می‌گردد که به نوبه خود دارای پیامدهای خاصی است.^(۴۰) بر این اساس، استدلال شده است که مداخله کیفری و برچسب زنی رسمی، برای تعداد خاصی از کودکان برچسب خورده، شخصیت جرم‌زا بوجود می‌آورد، (یا لاقلاً شخصیت مجرمانه آنها را تثبیت می‌کند) که این خود از زمان ایجاد، باعث گرایش به سمت رفتارهای مجرمانه بعدی می‌شود و از این رو ادوین لیمرت

۳۸- از نظر قانونی نیز رعایت این اصل در قوانین عدالت کیفری ۱۹۸۲، ۱۹۸۸، ۱۹۹۱ تصریح گردیده است.

39- Cohen, S. Visions of social control- Cambridge: Policy- 1985, pp. 82-95.

40- Becker, H. Out siders- New Yourk- Free Press- 1963, Ch. 11.

نتیجه گیری می کند که: «کنترل اجتماعی افراد منجر به انحراف می شود».^(۴۱) بر همین اساس دیوید متزا در مورد ماهیت تخریبی مداخلات کیفری رسمی چنین نظر داده است که: «هرگونه تلاش جهت پیشگیری، مداخله، دستگیری و بازپروری افراد...، تمایل جامعه را برای موضع گیری علیه آنان تسریع کرده و یا به شدت تشدید می کند».^(۴۲) اگر چه غیر رسمی سازی رسیدگی، هیچ گاه به شکل کامل در قبال سیستم عدالت کیفری نوجوانان در انگلستان و ولز به اجرا در نیامده است، اما برخی از انتقادهای اساسی وارد شده توسط آن، سیستم سزاگرا را تحت تاثیر قرار داده است.^(۴۳)

۴-۱- حقوق

کودکان و نوجوانان در سیستم عدالت کیفری انگلستان دارای برخی حقوق قانونی هستند. علاوه بر حقوقی که در مقررات داخلی مقرر گردیده اند (از جمله قانون حقوق بشر ۱۹۹۸)^(۴۴) تعدادی از کنوانسیونها، استانداردها، معاهدات و قواعد بین المللی وجود دارند که مقرراتی را در مورد سیاست و رویه عدالت کیفری خاص نوجوانان ارائه می کنند. معروفترین این اسناد، عبارتند از: قواعد حداقل استانداردهای سازمان ملل در مورد اجرای عدالت کیفری خاص اطفال و نوجوانان (قواعد بیجینگ ۱۹۸۵)،^(۴۵) رهنمودهای سازمان ملل برای پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان (رهنمودهای

41- Lemert, E. Human deviance, social problems and social control- Englewood cliffs- NJ: Prentice hall-1967, p.77.

42- Matza, D. Becoming deviant- Englewood cliffs- NJ: Prentice hall- 1969- p. 80.

43- Goldsom, B. Beyond formalism: Towards informal approaches to youth crime and youth justice- in Bateman, T. and Pitts, J. (eds.)- The Russell house companion- to youth justice- Dorset: Russell house- 2004b, ch. 4.

44- Human Rights Act 1988.

45- United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (the Beijing Rules, 1985).

برای جزئیات مربوط به این قواعد رک. ویترو، رناته، کودکان معارض قانون، قواعد پکن در گزارش کارگاههای آموزشی «دادرسی ویژه نوجوانان» در سالهای ۸۰-۱۳۷۹ صص ۴۰-۳۵.

ریاض (۱۹۹۰)^(۴۶) و قواعد سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم شده از آزادی (قواعد JDP ۱۹۹۰)^(۴۷) شاید بتوان مهمترین این مقررات بین‌المللی را کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (۱۹۸۹)^(۴۸) دانست که اصول مفصلی را در مورد حقوق کودکان، نحوه نگهداری آنان، قوانین، سیاستها و رویه‌های موثر بر کودکان و روابط رسمی و غیر رسمی با کودکان پیش‌بینی کرده است. شاید بتوان با برخی استثنائات^(۴۹) گفت که کنوانسیون حقوق کودک، نسبت به سایر کنوانسیونهای بین‌المللی در تاریخ، سریع‌تر مورد پذیرش دولت‌ها قرار گرفته و از همه فراگیرتر بوده است. دولت انگلستان این کنوانسیون را در سال ۱۹۹۱ به تصویب رساند.^(۵۰)

۵-۱- مسئولیتها

همانگونه که رفاه و حمایت با عدالت تعدیل می‌شود، حقوق با مسئولیتها تعدیل می‌گردد. واضح‌ترین مفهوم مسئولیت با توجه به سن مسئولیت کیفری، نمایان می‌گردد. سن مسئولیت کیفری سنی است که در آن فرد از نظر حقوق کیفری کاملاً مسئول فرض می‌شود: یعنی زمانی که ممکن است اعمال خطا کارانه فرد به صورت رسمی به عنوان جرم مورد رسیدگی قرار گیرد. قبلاً متذکر شدیم که سیستمهای عدالت کیفری نوجوانان در سطح جهان با هم متفاوت‌اند. در همین راستا، تفاوت آشکاری در مورد سن

46- The United Nations Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency (the Riyadh Guidelines, 1990).

برای جزئیات این رهنمودها رک. ویترو، نوجوانان محروم آزادی، راهکارهای پیشگیری و رهنمودهای ریاض در گزارش کارگاههای آموزشی... همان، صص. ۵۳-۶۰.

47- The United Nations Rules for the Protection of Juveniles Deprived of their Liberty (the JDL Rules, 1990).

48- United Nations Convention on the Rights of the Child (UNCRC, 1989).

۴۹- از جمله این استثنائات می‌توان به ایالات متحده اشاره نمود که روند تصویب کنوانسیون در این کشور زمانی طولانی داشته است.

۵۰- برای توضیحات بیشتر در این زمینه رک.

Scruton, P. and Haydon, D. Challenging the criminalization of children and young people: Securing a right-based agenda- in Muncie, J. (et al)- youth justice: critical readings- London: sage- 2002.

مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان وجود دارد. در انگلستان و ولز سن مسئولیت کیفری ۱۰ سال است.^(۵۱) برخی از صاحب نظران استدلال می کنند که ناعادلانه است که کودک ۱۰ ساله را مانند یک بزرگسال مسئول بدانیم و از این رو معتقدند که حقوق کیفری به وضوح با مقررات مدنی در تضاد است.^(۵۲) بحث مسئولیت کیفری در سیستم عدالت کیفری نوجوانان انگلستان، با توجه به اینکه والدین می توانند به خاطر رفتارهای فرزندانشان رسماً پاسخگو و مسئول باشند،^(۵۳) پیچیده تر شده است.^(۵۴) با توجه به این انتقاد، ساختارهای مسئولیت کودک یا والدین - تعهدات اخلاقی و وظایف اجتماعی - تاثیر واضحی بر شکل گیری سیاست و گسترش اجرای عدالت کیفری نوجوانان معاصر گذاشته است.

۶-۱- کیفر

به رغم تحول متفاوت نظام های عدالت کیفری اطفال و نوجوانان در دنیا، کیفر همواره در آنها وجود داشته است و دولت همیشه حق اعمال مجازات را برای خود محفوظ داشته است. کیفر کودکان و نوجوانان بزهکار از طریق موسسات نگهداری کودکان ابداع شده است. از زمان تاسیس نخستین موسسه کیفری انحصاری برای کودکان، در قسمت کودکان زندان پارک هرست ویژه پسران^(۵۵) در سال ۱۸۳۸،

۵۱- مهرا، نسرین، عدالت کیفری اطفال از منظر حقوق بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸، صص. ۲۲۹-۲۰۹.

۵۲- برای نمونه نگاه کنید به:

Bandalli, S.- Children, responsibility and the new youth justice- in Goldson, B. (ed.)- The new youth justice- Dorset: Russell house- 200, Ch. 5.

۵۳- والدین در این موارد موظف به پرداخت جریمه کودکان زیر ۱۶ سال خود بوده و به علاوه مکلف به حضور فعال در تمامی جلسات رسیدگی به جرایم اطفال خود می باشند. در موارد ضروری دادگاه می تواند والدین را موظف به حضور در کلاسهای خاصی نماید که با شیوه های مراقبت از اطفال آشنا شوند. در این مورد ر.ک. Parental Order

54- Goldson, B. and Jamieson, J.- Youth crime the patenting deficit and state intervention: A contextual critique- Youth justice- Vol. 2(2)- 2002- pp. 82-99.

55- Parkhurst Prison for Boys.

ابتکارات سیاسی و پیشرفتهای حقوقی و تجارب مربوط به حبس اطفال، اشکال سازمانی یکپارچه‌ای را ایجاد و تثبیت نموده‌اند: مدارس بازپروری و صنعتی^(۵۶) نیمه قرن ۱۹، زندانهای نوجوانان^(۵۷) در اوایل قرن بیستم، مدارس خاص^(۵۸) که در دهه ۱۹۳۰ ایجاد شدند، مراکز حبس و نگهداری^(۵۹) که با قانون عدالت کیفری ۱۹۴۸ ایجاد شدند، خانه‌های اجتماعی همراه با آموزش^(۶۰) که با قانون کودکان و نوجوانان ۱۹۶۹ تاسیس گردیدند، مراکز مراقبت^(۶۱) که از اوایل دهه ۱۹۷۰ گسترش پیدا کردند، مراکز نگهداری از نوجوانان^(۶۲) که از اوایل دهه ۱۹۸۰ بوجود آمدند، موسسات نوجوانان بزهکار^(۶۳) که از دهه ۱۹۹۰ ایجاد شدند و اخیراً ایجاد مراکز نگهداری و مراقبت^(۶۴) - اولین زندانهای خصوصی کودکان در انگلستان و ولز - از این دست هستند.

۲- دوگانگی

عدالت کیفری نوجوانان از ترکیب پیچیده‌ای بوجود آمده است. توجه به نظامهای عدالت کیفری نوجوانان به عنوان تلفیق دوگانه‌ای که هسته اصلی آن از مفاهیمی متضاد و متناقض تشکیل شده است می‌تواند ما را در درک بهتر آن کمک نماید. براین اساس است که رفاه و عدالت، حقوق و مسئولیتها و غیر رسمی سازی رسیدگی به جرایم اطفال

56- Reformation and industrial schools.

57- Borstals.

در مورد این تاسیس رک. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صفحه ۳۴.

58- Approved schools.

59- Remand centers and detentoin centers.

60- Community homes with education.

61- Secure units.

62- Youth custody centers.

63- Young offender institution.

برای توضیح بیشتر در مورد این نهادها رک. مهرا، نسرین، ترمیمی شدن عدالت صغار در انگلستان و ولز، علوم جنایی (مجموعه مقالات درتجلیل از استاد دکتر آشوری)، تهران، انتشارات سمت، پاییز ۱۳۸۳.

64- secure training centers.

و کیفرگرایی به دشواری با هم قابل جمع هستند. واضح است که در برخی مواقع مفاهیم موضوعی خاصی بر سایر مفاهیم غلبه می‌کنند. به عنوان نمونه، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، اولویتهای رفاهی - حمایتی در قبال اطفال مورد تاکید بود، برعکس در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ مفهوم عدالت در زمینه بزهکاری اطفال غالب شد، به علاوه، در هر زمان ملاحظات و مقتضیات سیاسی نیز - افزون بر ملاحظات جرم شناختی - آشکارا بر ماهیت و شکل دقیق سیستم عدالت نوجوانان تاثیر می‌گذارد. نهایتاً، این امر ما را مجدداً به پرسشهای مربوط به «نگرانیهای روحی» و «ترسهای بجا»ی ناشی از بزهکاری اطفال بر می‌گرداند.

ب - عدالت کیفری نوین اطفال

در اوایل دهه ۱۹۹۰، بنا به دلایل زیادی،^(۶۵) توجه عمومی و نیز توجه دست‌اندرکاران حرفه‌ای و سیاسی مجدداً به مشکل بزهکاری اطفال و نوجوانان در انگلستان و ولز جلب شد. نگرانیهای روحی و ترسهای بجا دوباره قدرت گرفتند و بزهکاری اطفال و نوجوانان مجدداً مورد توجه دولتمردان قرار گرفت. در سالهای اخیر شاهد اصلاح گسترده حقوق، سیاست و رویه در عدالت کیفری نوجوانان هستیم. مشخصه اصلی و بارز این اصلاحات شدت برخورد با بزهکاری نوجوانان است. این موضوع برای اولین بار توسط دولت کارگر جدید مورد استفاده قرار گرفت و عمق و گستردگی آن به اندازه‌ای بوده است که به عنوان «عدالت کیفری نوین اطفال» توصیف شده است.^(۶۶)

۱- برخورد جدید با بزهکاری نوجوانان

دولت کارگر جدید در نخستین ماههای به قدرت رسیدن خود در سال ۱۹۹۷ لایحه قانونی را تنظیم کرد که عنوان آن - «دیگر تساهل و اغماض کافی است»^(۶۷) - حکایت از چرخش جهت‌گیریهای سیاست جنایی در قبال بزهکاری اطفال در انگلستان داشت.

65- Goldson, 1997- op.cit.

66- Goldson, 2000a- op.cit, pp. 134-136.

67- No more excuse.

بدین ترتیب رویکرد جدید در برخورد با جرایم نوجوانان در انگلستان و ولز تردیدی در تاکید این لایحه بر مجازات اطفال بزهکار باقی نگذاشت. این لایحه جهت تثبیت سیاستهای جدید دولت در مورد جرایم نوجوانان - که به تدریج از زمان آخرین سال حضور آن در گروه اقلیت و از طریق انتشار یک سلسله مقالات و ارائه برخی رهنمودها در حال افزایش بود- به کارگرفته شد^(۶۸) و دربردارنده معیارهای دور از ذهنی بود که بعدها با تصویب مقررات قانونی، جنبه اجرایی به خود گرفتند. در نتیجه این اصلاحات، قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸^(۶۹) و قانون عدالت اطفال و نوجوانان و ادله کیفری ۱۹۹۹^(۷۰) شالوده قانونی اصلاح گسترده سیاست و رویه عدالت نوجوانان در انگلستان و ولز را پس از جنگ ایجاد نمودند. اقدامات بعدی در این زمینه، شامل وضع مقررات مربوط به قرارهای رفتار ضد اجتماعی، رویکرد جدیدی را نسبت به عدالت نوجوانان ایجاد نموده است که خود برخاسته از یک سلسله اصلاحات سزاگرایانه حاکی از بازگشت به کیفر است.^(۷۱) هدف ابتدایی این اصلاحات، تاکید بر پیشگیری از جرم از طریق مداخلات همه جانبه است. هدف دیگر آن پیش بینی یک سلسله ضمانت اجراهای کیفری شدید و نیز افزایش موارد حبس است.

۲- مداخله همه جانبه عدالت کیفری اطفال برای مبارزه با بزهکاری نوجوانان

قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸ به طور کلی مقرر می دارد که هدف نظام عدالت کیفری اطفال مبارزه سریع با بزهکاری اطفال است. بدین ترتیب، اساس سیستم جدید عدالت نوجوانان را «مداخله همه جانبه زودرس» تشکیل می دهد.^(۷۲) این قانون یک

68- Jones, D- Questioning new labour's youth justice strategy: A review article, youth justice- Vol. 1(3), 2002- pp. 14-26.

69- Crime and Disorder Act 1998.

70- Youth Justice and Criminal Evidence Act.

۷۱- در مورد سیاست بازگشت به کیفر به طور کلی رک. کاشفی اسماعیل زاده، حسن، جنبش های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی: علل و جلوه ها، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۶-۱۵، ۱۳۸۴، ص. ۱۵۳ به بعد.

72- Home Office- Crime and disorder Act 1998: Introductory Guide- London-Home Office - 1998. p. 1.

سلسله اختیارات و قرارهای قانونی جدید را ایجاد نمود - از جمله قرارهای علیه والدین کودک،^(۷۳) قرارهای تامینی و ایمنی کودک،^(۷۴) و قرارهای منع رفت و آمد کودک^(۷۵) - که اساساً جهت دسترسی سریعتر به عدالت نوجوانان به کار گرفته می شوند. به علاوه، سیاستها و رویه‌های قبلی که مبتنی بر اجتناب از مداخله نظام کیفری درقبال اطفال بزهکار بودند کنار گذاشته شدند. مواد ۶۵ و ۶۶ قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸ اخطار رسمی^(۷۶) را لغو نمود و به جای آن مبنای قانونی برای توبیخ^(۷۷) و اخطار رسمی^(۷۸) را وضع کرد.^(۷۹)

امروزه مداخله کیفری از طریق برنامه‌های بازپروری همراه با اخطار رسمی برای کودکان ۱۰ ساله، تنها در مورد جرم دوم (معمولاً در مورد جرایم کوچک) و در مواردی برای جرم اول آنها به کار برده می شود. در مورد سومین جرم ارتكابی (و در مواردی حتی برای دومین جرم) چنین اقداماتی (همراه با گزارش در مورد قابلیت بازپروری) قابل ارائه به دادگاه است. در چنین شرایطی همانگونه که بخش اول قانون عدالت نوجوانان و ادله کیفری ۱۹۹۹ مقرر نموده است، دادگاهها قادر به تعویق صدور حکم نیستند و درعوض کودکان با قرار ارجاعی^(۸۰) صادر شده، با مداخله بعدی از طریق برنامه‌های رفتاری^(۸۱) و قراردادهای منعقد شده با بزهکاران نوجوان^(۸۲) روبرو

73- Parental Orders. مواد ۸ تا ۱۰ قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸.

74- Child Safety Orders. مواد ۱۱ تا ۱۳ قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸.

75- Child Curfews. مواد ۱۴ و ۱۵ قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸.

76- Cautioning

اخطار رسمی قبل از قانون سال ۱۹۹۸ که به موجب قانون اطفال و نوجوانان ۱۹۶۹ جنبه قانونی به خود گرفته بود سابقه طولانی داشته و پس از تصویب قانون ۱۹۹۸ به صورت دو مرحله‌ای Reprimand و final warning درآمده است.

77- Reprimand.

78- Final Warning.

79- Goldson, B- 2000a- Op. cit, Bateman- 2003- Op. cit.

80- Referral order

برای توضیح بیشتر در مورد قرارهای فوق رجوع کنید به: مهرا، نسرین، ترمیمی شدن عدالت صغار در انگلستان و ولز، همان، صص. ۱۷۹-۱۵۹.

81- Programmes of behavior.

82- Youth offender contract.

خواهند شد. (۸۳)

به علاوه قانون شیوه‌های جدید مداخله را تعیین نموده است که از طریق تعیین آنچه برنامه‌های حمایتی و جامع نوجوانان نامیده می‌شود، در مورد اطفال دارای سن کمتر از سن مسئولیت کیفری، به عنوان کودکان در معرض خطر بزهکاری اعمال می‌شود. موارد مداخله اکنون گسترش یافته است، به گونه‌ای که رفتارهای ضد اجتماعی و نیز کودکان و نوجوانانی را که حضورشان در اجتماع موجب ترس، اذیت و سلب آسایش می‌گردد، شامل می‌شود. (۸۴)

اندیشه‌ها و فرضیاتی که مبنای این تحولات هستند، خود قابل تأمل اند. این فرضیات، نمونه واضحی از گسترش شبکه مداخله (۸۵) نسبت به بزهکاری هستند، زیرا سیستم عدالت کیفری نوجوانان و نهادهای وابسته به آن، دامنه مداخله خود را به گونه‌ای گسترش می‌دهند که از نظر تعداد، کودکان بیشتر و از نظر سن، اطفال جوانتری را شامل می‌شوند. آنچه بیشتر بحث‌انگیز است این است که در موارد خاصی احراز مجرمیت قبلی جهت اینگونه مداخلات لازم نیست، یعنی نیازی به ارتکاب جرم برای مداخله از جمله مداخله نظام کیفری نخواهد بود. در بیشتر موارد مداخله از طریق تشخیص، صلاح‌دید و پیش‌بینی ساختگی آغاز می‌شود بدین معنا که پیش‌بینی‌ها در چنین مواردی بیشتر برخاسته از سلايق پیش‌بینی کنندگان و نه منطبق با واقع می‌باشد. کودکان و نوجوانان نه تنها بر مبنای آنچه که انجام داده‌اند، بلکه با توجه به آنچه ممکن است انجام دهند، آنچه که هستند یا آنچه که تصور می‌شود هستند، در معرض مداخلات رسمی نظام عدالت کیفری قرار می‌گیرند.

۳- حبس

گسترده‌گی و تنوع اشکال مجازات حبس و سیاست سزاگرایانه دهه گذشته، احتمالاً

83- Goldson, B- 2000a- op.cit., pp. 69-74.

84- Home Office- respect and responsibility: Taking a stand against anti-social behavior- London: The stationary office- 2003.

85- Net-widening.

آشکارترین نشانه روآوری مجدد به مجازات در زمینه عدالت کیفری نوجوانان در انگلستان و ولز است. مجازاتهای حبس از حدود ۴۰۰۰ مورد در سال ۱۹۹۲ به ۷۶۰۰ مورد در سال ۲۰۰۱ - یعنی ۹۰ درصد - افزایش یافته است. طی همین دوره تعداد جوانان زندانی تا ۱۴۲ درصد افزایش داشته است.^(۸۶) در بطن این الگوی کلی چهار الگوی فرعی در زمینه حبس اطفال و نوجوانان قرار دارد:

۱- تغییرات قانونی بیشتر در راستای حبس کودکان جوانتر به عمل آمده است. در سال ۱۹۹۲، تقریباً ۱۰۰ کودک زیر ۱۵ سال به مجازات حبس محکوم شدند، در سال ۲۰۰۱، تعداد ۸۰۰ کودک زیر ۱۵ سال به زندان فرستاده شدند که نسبت به سال ۱۹۹۲، ۸۰۰ درصد افزایش داشته است.^(۸۷)

۲- همانگونه که پیشتر گفته شد، تعداد بیشتری از دختران در زندان نگهداری می‌شوند و نرخ افزایش تعداد ایشان نسبت به پسران بیشتر است. استفاده از مجازات حبس برای دختران در یک دهه گذشته ۴۰۰ درصد افزایش یافته است. (در مقابل افزایش ۹۰ درصدی آن برای پسران به‌طور کلی).^(۸۸)

۳- همانگونه که پیشتر گفته شد، حضور بیشتر کودکان و افراد سیاه پوست در مراحل مختلف دادرسی، از مرحله قبل از تعیین مجازات تا مرحله پس از آن، در حال افزایش است.^(۸۹) در حالی که داده‌های جمعیت‌شناسی نشان می‌دهند که تقریباً ۲ درصد از جمعیت انگلستان راسیاه پوستان تشکیل می‌دهند، ۹/۳ درصد از کودکانی که در سال ۲۰۰۱ به مجازات حبس محکوم شدند، سیاه پوست بودند. هنوز هم ۱۸/۲ درصد از تمام کودکان و نوجوانانی که به موجب مقررات قانون اختیارات دادگاههای جزایی (تعیین مجازات) ۲۰۰۰^(۹۰) به کیفر حبس طولانی مدت محکوم می‌شوند، سیاه پوست هستند.^(۹۱)

86- Home Office, 2002, op.cit.

87- NACRO- A failure of justice- London: NACRO- 2003b.

88- NACRO, 2003a- op.cit.

89- Goldson, B. and Chigwada Baily, R.- op.cit., ch. 3.

90- Powers of Criminal Courts (Sentencing) Act 2000.

91- NACRO- 2003b- op.cit.

۴- با یک بررسی تطبیقی در سطح بین‌المللی ملاحظه می‌شود که موارد مجازات حبس در انگلستان و ولز بسیار زیاد شده است. در نتیجه، تعداد بیشتری از کودکان و نوجوانان، در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی، در زندان‌های انگلستان و ولز نگهداری می‌شوند.

۴- انتقادات وارد بر عدالت کیفری نوین

کمیته حقوق کودک سازمان ملل در سال ۲۰۰۲ به صورت رسمی نگرانی خود را نسبت به سیاست و رویه عملی عدالت کیفری نوجوانان در انگلستان و ولز اعلام نمود. مجلس اعیان / کمیته مشترک مجلس عوام در مورد حقوق بشر نیز در سال ۲۰۰۳ نگرانیهای مشابهی را ابراز داشته است. چنین نگرانی‌هایی بر مداخلات کیفری - که بر مبنای آن کودکان و نوجوانان در انگلستان و ولز در معرض حبس زود هنگام و گسترده قرار می‌گیرند - متمرکز شده است. روشی که سیستم عدالت کیفری جدید اطفال اتخاذ نموده است، نه تنها به خاطر نقض حقوق نوجوانان، غیر انسانی است، بلکه از نظر اقتصادی نیز بسیار هزینه بر بوده و از همه مهمتر، در زمینه پیشگیری از جرم تقریباً بی‌تاثیر است. در نتیجه برای دولت انگلستان که نگرانی هزینه‌های اقتصادی، از یکسو و دغدغه اعمال سیاست‌های منطقی و منطبق با واقعیات اجتماعی، از سوی دیگر را دارد، چنین رویکردی به بزهکاری اطفال شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

نظام حقوقی انگلستان، یکی از قدیمی‌ترین و درعین حال پیشرفته‌ترین سیستم‌های حقوقی، در زمینه برخورد با کودکان و نوجوانان بزهکار است و از این رو می‌توان گفت که یکی از کاملترین سیستم‌های عدالت کیفری کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود. در زمینه برخورد با جرایم نوجوانان می‌توان در سالهای اخیر آثار سزاگرایی را در این سیستم به صورت پررنگتری نسبت به قبل مشاهده نمود و از سال ۱۹۹۸ به این سو با تصویب قوانین شدیدتر، به این سزاگرایی جنبه قانونی نیز داده شده است. سیستم کنونی عدالت کیفری دیدگاههای بدبینانه‌ای نسبت به جرایم نوجوانان داشته و از این رو آمار

محکومیت‌های کیفری نوجوانان را به میزان چشمگیری افزایش داده است. به علاوه، سیستم عدالت کیفری در این روند سزاگرایی به گونه‌ای دچار بی عدالتی شده است و به رغم اینکه تحقیقات بیانگر افزایش نرخ جرایم نوجوانان از نظر شدت و میزان نیست، سیستم همچنان به اجرای دیدگاه‌های سزاگرایی خود اصرار دارد. به همین ترتیب، سیستم همچنان در پی برخورد شدیدتر با دختران نسبت به پسران و سیاهان نسبت به افراد سفید پوست است. حال آنکه، آمارها نشان می‌دهد که جرایم این گروه‌ها از نظر نرخ با یکدیگر تقریباً برابر است. جرایم ارتكابی دختران و سیاهان بیشتر از جرایم ارتكابی پسران و سفیدپوستان نیست.

منابع و مأخذ:

الف - لاتین

1. Bandalli, S.- Children, responsibility and the new youth justice- in Goldson, B (ed.)- The new youth justice- Dorset: Russell house- 2000.
2. Becker, H.- Out siders- New Yourk- Free Press- 1963.
3. Blagg, H. and Smith, D.- Crime, penal policy and social work- Harlow- Longman- 1989.
4. Cohen, S.- Folk devils and moral panic: The creation of the modes and rockers- London- MacGibbon and Kee- 1972.
5. Cohen, S.- Visions of social control- Cambridge: Policy- 1985.
6. Cox and Shore- Becoming Delinquent: British and Eroupean Youth 1650- 1950- Aldershot: Ashgate- 2002; Hendrick, Child welfare: Historical dimensions- contemporary debate- Bristol: Policy Press- 2003.
7. Muncie, J.- The trouble with Kids today: Youth crime in post-war Britain- London- Huchinson- 1984.
8. Pearson, G.- Hooligan: A history of respectable fears- London- Macmillan, 1983.
9. Goldson, B. and Chigwada Bailey, R.- (What) justice for black children and

- young people- in Goldson, B (ed.)- youth justice: Contemporary policy and practice- Aldershot: Ashgate- 1999.
10. Goldson, B.- Children crime and the state- in Goldson, B., Lavallate, M. and Mckechine, J. (eds.)- Children, Welfare and the state- London- sage- 2002b.
 11. Goldson, B.- New labour, social justice and children: Political calculation and the deserving-undeserving schism- the british journal of social work- Vol. 32(6)- 2002a.
 12. Goldson, B. and Jamieson, J.- Youth crime, the parenting deficit and state intervention: A contextual critique- Youth justice- Vol. 2(2)- 2002.
 13. Goldson, B.- Beyond formalism; Towards informal approaches to youth crime and youth justice- in Bateman, T. and Pitts, J.(eds.)- The Russell house companion- to youth justice- Dorset: Russell house- 2004b.
 14. Graham, J. and Bowling, B.- Young people and crime- Home office research study- 145- London- HMSO- 1995.
 15. Harrington, V. and Mayhew, P.- Mobile phone theft- Home office research study 235- London- Home office- 2001.
 16. Home Office- Crime and disorder Act 1998: Introductory Guide- London- Home office- 1998.
 17. Home Office- Criminal statistics England and Wales- London- Home office- 2002.
 18. Jones, D.- Questioning new labour's youth justice strategy: A review article, youth justice- Vol.1 (3)- 2002.
 19. Lemert, E.- Human deviance, social problems and social control- Englewood cliffs- NJ: Prentic hall- 1967.
 20. Matza, D.- Becoming deviant- Enlewood cliffs- NJ: Prentice hall- 1969.
 21. Munice, J.- Juvenile justice in Europe: Some conceptual, analytical and

- statistical comparisons- Children right- No 202-2003- PP. 14-17.
22. Muncie, J. and Hughes, G.- Modes of youth governance: Political rationalities, criminalization and resistance- in Muncie, J. and Hughes, G. and McLaughlin, E. (eds.)- youth justice: Critical readings- London: sage- (2002: 1).
23. NACRO- Some facts about young people who offend- 2001- youth crime briefing- March- London- NACRO- 2003a. 24. NACRO- A failure of justice- London: NACRO- 2003b.
25. Scraton, P. and Haydon, D.- Challenging the criminalization of children and young people: Securing a rights-based agenda- in Muncie, J (et al)- youth justice: critical readings- London: sage- 2002.
26. Simmons, J.- Crime in England and Wales 2001/02- home Office statistical Bulletin- 07/02- London- Home office- 2002.
27. The Howard League for Penal Reform- 96 Percent of teenagers are victim of crime according to Howard League consultation- Howard League Press- 11 April 2002.
- 28 The United Nations Rules for the Protection of Juveniles Deprived of their Liberty (the JDL Rules, 1990).
29. The United Nations Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency (the Riyadh Guidelines, 1990).
30. Thorpe et al- Out of care: The community support of Juvenile offenders- London: George Allen and Unwin- 1980.
31. United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (the Beijing Rules, 1985).

ب - فارسی:

۳۲- شامبیاتی، هوشنگ، بزهدکاری اطفال و نوجوانان، تهران، چاپ کیان، چاپ

سوم، ۱۳۷۲.

۳۳- قواعد پکن در گزارش کارگاههای آموزشی «دادرسی ویژه نوجوانان» در سالهای ۸۰-۱۳۷۹.

۳۴- کاشفی اسماعیل زاده، حسن، جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی: علل و جلوه‌ها، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۶-۱۵، ۱۳۸۴.

۳۵- مهرا، نسرین، ترمیمی شدن عدالت صفار در انگلستان و ولز، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر آشوری)، تهران، انتشارات سمت، پاییز ۱۳۸۳.

۳۶- مهرا، نسرین، عدالت کیفری اطفال از منظر حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی